



ترور شهید فخری زاده، پوست موز ترامپ برای بایدن بود؟

# سفارش دموکرات‌ها، اجرای صهیونیست‌ها

او مجوز مذاکره با آمریکا را داد. دقیقاً پس از پذیرش مذاکره و فراهم کردن شرایط برای دو دور مذاکره در اوایل تابستان و اواخر زمستان ۹۱ بود که روند ترور دانشمندان ایرانی برای چند سال متوقف می‌شود. به عبارت دیگر، ترور دانشمندان ایرانی ابزار فشار آمریکایی بر تهران برای آمدن پای میز مذاکره بود. واشنگتن بیست در یادداشتی که روز گذشته منتشر شد در این باره نوشته «آن ترورها بیش از آنکه راهبند رسیدن به یک راه‌حل دیپلماتیک باشند زمینه‌های رسیدن به آن را فراهم کردند. آن رشته از قتل‌ها به‌همراه رژیم قدرتمند تحریم‌های بین‌المللی و حملات سایبری آمریکا و اسرائیل، فشارها بر ایران برای رسیدن به یک دستاورد دیپلماتیک در دوران اوباما را افزایش دادند.» در آن سال، آمریکا با بررسی گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پی به توسعه برنامه هسته‌ای ایران برده بود و به دلیل اینکه ابزارهای همچون تحریم و حملات سایبری، فاقد کارایی لازم بودند، واشنگتن به دنبال مهار ایران در پای میز مذاکره بود. اوباما یک سال بعد و کمتر از دو هفته پس از توافق ژنو در آذر ۹۲ در مرکز سابان موسسه بروکینگز به‌صراحت گفت اگر گزینه‌ای داشت که در آن «ایران پلک‌پیک پیچ‌ها و مهره‌های برنامه هسته‌ای خود را از بین می‌برد و امکان داشتن برنامه هسته‌ای را برای همیشه از دست می‌داد و در اثر آن، از شر همه توانایی‌های نظامی‌اش رها می‌شد» این گزینه را انتخاب می‌کرد اما به دلیل اینکه چنین امکانی فراهم نبود، وارد مذاکره با دولت روحانی شد تا به گفته خودش جلوی دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را بگیرد.

## بازگشت آمریکا به تنظیمات اوباما

بر اساس رفتار دولت سابق آمریکا که جواب‌بایدن معاون رئیس جمهور در آن دولت بوده و تیم وزارت امور خارجه دولتش نیز در همان دستگاه خدمت کرده‌اند، آیا نمی‌توان ترور شهید فخری زاده را ابزار فشار برای مذاکرات جدید برجامی دانست؟ آمریکایی‌ها خیلی خوب می‌دانند که علی‌رغم تمایل فراوان حسن روحانی برای مذاکره مجدد، این رهبر انقلاب هستند که باید چنین مجوزی را صادر کنند. با توجه به ناکامی کارزار فشار حداکثری دونالد ترامپ و عدم تمایل ایران برای مذاکره به‌جز بازگشت کامل به برجام، آنها دوباره دستور کار سابق یعنی ترور را در پیش گرفته‌اند. ایالات متحده رژیم صهیونیستی به خوبی می‌دانند که برخلاف ۱۰ سال گذشته، ترورها نمی‌تواند ساتنریفیوژرها را کار بیندازد چرا که دانش هسته‌ای ایران بومی شده و ایران با وجود این ترورها برنامه هسته‌ای‌اش را ادامه می‌دهد. در همین دو سال گذشته ایران توانسته ذخایر اورانیومی خود را بیش از ۱۲ برابر دوره برجام کند. در این بین نباید این نکته را نیز فراموش کرد که دانشمندی همچون شهید فخری زاده در طول چند دهه تدریس در دانشگاه و فعالیت در حوزه اجرا، چندها دانشجو را تعلیم داده است و فقدان او علی‌رغم هزینه سنگین، نمی‌تواند در چرخه رشد علمی کشور وقفه ایجاد کند. با این حال رژیم صهیونیستی اقدام به ترور او کرد تا اهرم فشاری در دست تیم بایدن قرار دهد و تهران را ناچار به مذاکره جدی تر از هسته‌ای و در حوزه‌های موشکی و منطقه‌ای کند. اگر شهادت فخری زاده بتواند فشارها بر ایران برای دستیابی به یک توافق بهتر را افزایش دهد و این فشارها منجر به پاسخ تند ایران نشود، دموکرات‌ها ابایی از موافقت با رژیم صهیونیستی برای چنین ترورهایی ندارند. آنها به خوبی می‌دانند که هیچ راهی مطمئن‌تر و ساده‌تر از توافق برای متوقف کردن و عقب‌راندن برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد و تا روزی هم که در قدرت باشند برای این مذاکرات هزینه می‌دهند. اما اگر ایران به بهانه دستیابی به یک توافق جدید از پاسخ به حمایت صهیونیست‌ها سر باز زند، نه تنها اعتبار خود که توان منطقه‌ای‌اش را نیز از دست خواهد داد. فراموش نکنیم رژیم صهیونیستی حداقل در دو دهه گذشته در هیچ جنگی پیروز نبوده است. بزرگ‌ترین دشمنی که شکست را بر آنها تحمیل کرده، بیش از چند هزار نفر نیروی شبه‌نظامی نداشته است. بی‌پاسخ گذاشتن ماجراجویی‌های صهیونیست‌ها، با لایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی ایران را در معرض خطر قرار می‌دهد. حمله به این تاسیسات به‌سادگی و با پیچیدگی دست‌ساز نیز امکان‌پذیر است. صبر بیشتر از این، هزینه‌هایی به‌مراتب سخت‌تر از جنگ دارد.



این پرسش که «چه می‌شود اگر حملات بیشتر و شدیدتر ادامه پیدا کند؟» به اشاره اخیر ترامپ به تاسیسات نظیر ارجاع می‌دهد و تلویحا اعلام می‌کند احتمالاً هدف‌ها به این سمت خواهد رفت و اگر ایران به این تجاوزها پاسخ ندهد، ضربات علیه برنامه هسته‌ای شدت می‌گیرد. «عبداللاری عطوان نیز در رای‌ال‌یوم در این باره می‌نویسد: «از طریق تجربه و پیگیری حوادث منطقه می‌دانیم عدم پاسخگویی یا تاخیر آن باعث بی‌اعتباری طرف موردنظر و کم‌اهمیت شدن نظریه بازآزادگی می‌شود و توازن قدرت را به‌نفع دشمنانی تغییر می‌دهد که به عملیات تحریک‌کننده خود ادامه خواهند داد.»

## شهید برجام؟

برخلاف آنچه بسیاری از تحلیلگران غربی و هواداران داخلی «هر شکلی از توافق» می‌گویند، ترور شهید محسن فخری زاده تله‌ای برای ایران و پوست موز زیر پای دولت بایدن نبوده و نیست و برعکس این ترور می‌تواند یک امتیاز قابل توجه برای دولت بایدن در تحمیل دیدگاه‌هایش به ایران باشد. رد چنین دیدگاهی را می‌توان از تئوتیت مارک دیوویتز، مدیر اندیشکده نیباد دفاع از دموکراسی‌ها یافت. او پس از ترور دانشمند هسته‌ای کشورمان نوشت در فرصت دو ماهه را روی کار آمدن بایدن، «آمریکا و اسرائیل فرصت زیادی دارند تا آسیب‌سختی به نظام ایران وارد و اهرم فشاری برای دولت بایدن ایجاد کنند.» تئوتیت او که مدیر اندیشکده‌ای است که به‌عنوان لابی قدرتمند رژیم صهیونیستی در آمریکا شناخته می‌شود، نشان می‌دهد که این ترور می‌تواند دست دولت بایدن را برای مذاکره با ایران بازرز از قیل کند. اما چگونه می‌توان باور داشت که نتایج با تروری که بیشتر به ایجاد مانع بر سر مذاکره منجر می‌شود، به مذاکره کمک کرده است؟ برای پاسخ باید کمی به عقب بازگردیم. همانطور که در کتاب اخیر باراک اوباما نیز آمده، او پس از ورود به کاخ سفید تلاش کرد تا دیپلماتیسی با ایران وارد تعامل شود و در این راستا نیز دو نامه به رهبر معظم انقلاب می‌نویسد و حتی تیم مذاکره‌کننده‌اش را نیز معرفی می‌کند اما با بروز فتنه ۸۸، او دیپلماتی را کنار می‌گذارد و همانند ترامپ و با همکاری متحدان اروپایی‌اش، فشار حداکثری با اعمال تحریم‌ها را در دستور کار خود قرار می‌دهد. چند ماه بعد در ۲۲ دی ماه ۸۸، شهید مسعود علی محمدی دانشمند فیزیک دانشگاه تهران ترور می‌شود. بازه‌ای دو ساله، مجید شهریاری، داریوش رضایی‌نژاد و مصطفی احمدی‌روشن نیز توسط سرویس‌های بیگانه‌ها شهادت می‌رسند. از بین این ۴ دانشمند، رضایی‌نژاد و احمدی‌روشن در مرداد و دی ۹۰ یعنی برهه‌ای به شهادت رسیده‌اند که عمان واسطه مذاکرات بحرمانه بین تهران و واشنگتن شده بود. بر اساس آنچه علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه وقت ایران گفته رهبر انقلاب از اواسط سال ۱۳۹۰ به

بعدی در کنار شعله کشیدن امید به مذاکره در دولت، بازآزادگی ایران را با چالشی بسیار جدی مواجه کرد. در ماجرای ترور سردار سلیمانی، علاوه بر ترامپ و جمهوری خواهان، دموکرات‌ها نیز خوشحال بودند و حتی جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب این کشور در تئوتیتی نوشت: «هیچ آمریکایی در مرگ قاسم سلیمانی عزاداری نمی‌کند. اوستحق بود برای جنایت‌اش علیه نیروهای آمریکایی... در برابر قانون بایستد.» در واقع هر دو جریان سیاسی در آمریکا موافق این اقدام بودند اما همواره نگرانی دموکرات‌ها پاسخ تند ایران به این ماجراجویی‌ها بوده است. آنها هم در دولت اوباما فرصت چنین اقدامی را داشتند اما این کار را نکردند چرا که از یک طرف نگران جان چند دهه هزار سرباز آمریکایی در منطقه بودند و از سوی دیگر از تبعات جهش بزرگ در قیمت نفت هراس داشتند.

با ترور سردار سلیمانی، ترامپ به دموکرات‌ها و سایر کشورها این را فهماند که حداقل پاسخ محکمی در کار نیست و می‌توان با کمترین هزینه، بالاترین مقام نظامی را هدف قرار داد و مسئولیتش را هم پذیرفت و از هرگونه گزند نیز در امان ماند. ایران در دی ماه ۹۸ فرصت طلایی پاسخ گوینده به دشمن و تقویت بازآزادگی‌اش را از دست داد تا رژیم صهیونیستی با دست‌باز تروری‌های بعدی برنامه‌ریزی کند. دومین و سومین عملیات نیز علیه تاسیسات هسته‌ای ایران اجرا شد و بازهم پاسخی ارسال نشد تا اینکه روز جمعه شهید محسن فخری زاده توسط رژیم صهیونیستی و با حمایت اطلاعاتی آمریکا به شهادت رسید. چه قبول کنیم و چه نکنیم، پیام واکنش‌های انفعالی ایران به تهاجمات دیگران به بهانه حفظ برجام، آن را به این نتیجه رسانده که تهران نه تنها وارد جنگ نخواهد شد بلکه پاسخ متناسبی نیز برای عرضه ندارد. اینکه می‌توان در ایران ترور کرد و نگران جنگ نبود، عنوان یادداشتی است که روز شنبه در جزوالهیست منتشر شد. «یوناح جرمی باب» در یادداشتی با عنوان «چگونه می‌توان با ترور و خرابکاری از جنگ با ایران اجتناب کرد» می‌نویسد: «باینکه هر یک از ترورها و خرابکاری می‌توانست به تشدید مناقشه و به راه افتادن جنگ بینجامد اما مشاهد نشان می‌دهد چنین اقداماتی احتمال وقوع چنین جنگی را کاهش داده است... اگر چنین اقدامات خطرناکی از وقوع عملیات پیچیده و واکنش شدید ایران پیشگیری کند، در آن صورت باید گفت ترورها و خرابکاری، در نهایت به حفظ صلح منتهی شود و بدست‌کم رخ ندادن جنگ تمام‌عیار، کمک کرده است.» اوضاع از این هم می‌تواند بدتر و خطرناک‌تر نیز باشد. تحلیلگران غربی از تبدیل شدن این رخدادها به یک روند منظم نیز سخن می‌گویند. رلی موفق در القدس العربی در این باره می‌نویسد: «آنچه حتمی است اینکه فشارها و ضربه‌های اطلاعاتی و عملیاتی‌های ویژه‌ای ادامه می‌یابد و مسئولیت آن را کسی برعهده نخواهد گرفت. روند حوادث در چارچوب جنگ سری و حملاتی میان‌جنگ‌ها پیش خواهد رفت. او با طرح

کاندیداتوری در انتخابات ۲۰۲۰، به صراحت از ضرورت بازگشت به برجام سخن گفت. او با انتصاب، آنتونی بلینکن و جیک سالیوان یعنی دو عضو مؤثر در توافق هسته‌ای، در تیم سیاست خارجی‌اش، ایسن‌گزاره که دولتش به دنبال احیای برجام است را تقویت کرد. مذاکره مجدد بین تهران و واشنگتن بر سر برجام به‌قدری روشن بود که فیصل بن فرحان آل سعود، وزیر خارجه عربستان اعلام کرد کشورش در هرگونه گفت‌وگوی احتمالی آتی بین آمریکا و ایران باید مشارکت داشته باشد. در تهران تقریباً همه چیز برای مذاکره با دولت بایدن فراهم بود. حسن روحانی با وجود هشدارهای نهاد‌های مشورت‌دهنده مبنی بر عدم ارسال پالس مذاکره، روز چهارشنبه ۵ آذرماه به طرف آمریکایی پیشنهاد داد که دو طرف می‌توانند به شرایط پیش از ژانویه ۲۰۱۷ بازگردند. دو روز بعد از این پیشنهاد، در آسرد یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان هسته‌ای کشور به شهادت می‌رسد و به دنبال آن تحلیل‌های داخلی و خارجی منتشر می‌شود که به ایران می‌گوید این ترور دولت ترامپ و نتایج آن برای ایران است تا با دست خودش، برجام را آتش زده و در دیپلماتی برای مدت نامحدودی ببندد. بر پایه این تحلیل هر واکنش نظامی ایران، دقیقاً کمک به ترامپ، رژیم صهیونیستی و حکام حاشیه خلیج فارس است.

## ضربات می‌تواند ادامه پیدا کند

این تحلیل مشابه همان تحلیلی است که سال گذشته و پس از ترور سردار شهید قاسم سلیمانی در فضای رسانه‌ای ایران و جهان مطرح شد. همان چهره‌های داخلی که رخداد امروز را تله‌ای برای کشور می‌دانند، در ماه‌سال گذشته می‌گفتند اگر ایران به ترور فرمانده سپاه پاسخ نظامی بدهد، دیوانه‌ای همچون ترامپ فرمان جنگ علیه ایران را صادر خواهد کرد. این البته تحلیل صرف نبود چرا که به دنبال آن، آمریکا علاوه بر ارسال پیامی غیرمحرمانه به تهران، مدعی شده بود در صورت پاسخ ایران به جنایتش، بیش از ۵۰ نقطه کشور را هدف قرار خواهد داد. ایران بدون توجه به این هشدار، در حالی که می‌توانست این جنایت را به مثابه جنگ علیه خودش در نظر بگیرد و پاسخی قاطع به طرف آمریکایی بدهد، با برخی فشارهای سیاسی، پاسخی نسبتاً ضعیف به ترور سردار داد. موشکیان عین‌الاسد که هیچ تلفاتی نیز به دنبال نداشت، معیار بسیار ارزشمندی برای سایر کشورها شد تا بداند پس از ترور رسمی بالاترین مقام نظامی ایران، دست‌تهران برای پاسخ تا چه میزان باز است. به‌طور حتم اگر در آن زمان تهران بدون در نظر گرفتن کسانی که نگران پاسخ آمریکا بودند، اقدام قاطعانه‌تری از خود نشان می‌داد، دیگر شاهد یک رشته انفجار در مجتمع موشکی و خیر و تاسیسات هسته‌ای نظیر نمی‌بودیم و ساتنریفیوژهایی را که برای چرخه هسته‌ای ایران وجودشان اجتناب‌ناپذیر بود از دست نمی‌دادیم. عدم پاسخ مناسب به ترور سردار سلیمانی و رخداد‌های



صادق امامی

دبیر گروه بین‌الملل

در سه روز گذشته رسانه‌های داخلی و بین‌المللی بیش از «چگونه‌ی» ترور شهید محسن فخری زاده به تحلیل «چرا بی» این اقدام پرداختند و از این زاویه، به تحلیل وقایعی که احتمالاً در ایران، منطقه و جهان رخ خواهد داد، نشستند. هم در تهران و هم در رسانه‌های جهانی، برخی تحلیلگران، ترور شهید فخری زاده، معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران را به تحولات پس از انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا گره زدند و این طور نتیجه گرفتند که دونالد ترامپ با همکاری بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، باین ترور خواسته‌اند پوست موز زیر پای دولت بایدن برای شکست هر شکل و سطحی از مذاکره بین تهران و واشنگتن بیندازند. به باور آنها ترامپ که از ابتدا مخالف توافق هسته‌ای (برجام) با ایران بود، در آخرین هفته‌های ریاست جمهوری‌اش و پیش از اینکه کلید کاخ سفید را به جو بایدن و دموکرات‌ها تقدیم کند، با کمک رژیم صهیونیستی ترور شهید فخری زاده را طراحی کردند تا حتی اگر بایدن هم بخواهد، ایران حاضر به مذاکره با دولت بعدی آمریکا نشود. رسانه‌های عربی و غربی این دوگانه را به درستی تبیین کردند و نوشتند که «هدف از ترور فخری زاده تحریک ایران و مجبور کردنش به نشان دادن واکنش است... ایران نیازمند پاسخ به این جنایت است اما هم‌زمان از افکار ترامپ باخبر است و می‌داند فرصت بزرگی برای احیای توافق هسته‌ای و کاهش تحریم‌ها برای ریاست جمهوری بایدن وجود دارد.» در میان ده‌ها تحلیلگر روزنامه‌نگاری که چنین تحلیلی را ارائه دادند، به‌عنوان نمونه می‌توان به تئوتیت روزیکشنه برنی سندرز سناتور ایالت ورمانت اشاره کرد. اوباما غیرقانونی، تحریک‌آمیز و بی‌ملاحظه خواندن ترور شهید فخری زاده، نوشت که «این اقدام آشکارا با هدف تضعیف دیپلماتی آمریکا ایران، هم‌زمان با روی کار آمدن دولت جدید بود.» سندرز ز با به اشتراک گذاشتن لینک یک تحلیل از روزنامه «نیویورک تایمز» مبنی بر اینکه ترور شهید فخری زاده با هدف تهدید برنامه «جو بایدن» رئیس‌جمهور احتمالی جدید آمریکا برای احیای توافق هسته‌ای ایران بود، ادامه داد: «مانند اجاره‌دهیم این اتفاق بیفتد. دیپلماتیسی، نه جنایت، بهترین راه به سمت جلو است.» تمام کسانی که به چنین تحلیلی باور دارند، در پاسخ به سوال که «چه باید کرد؟» به مراکز تصمیم‌گیر در تهران توصیه می‌کنند که بیش از هر چیز، آرامش و خونسردی خود را حفظ کنند و از نشان دادن هرگونه واکنش که منجر به تحت‌الشعاع قرار گرفتن مذاکرات احتمالی یا دولت آینده می‌شود، خودداری کنند و اجازه ندهند به دشمن‌ها باین اقدامات تنش را آینه‌دو توافقی هسته‌ای را تیره و تار کرده و مسیر بازگشت آمریکا به برجام را سخت‌تر از این و حتی ناممکن کنند. با کنار هم قرار دادن گزاره‌هایی همچون نسبت دونالد ترامپ با برجام و ادعای مقامات دولت او برای مین‌گذاری در مسیر بازگشت به برجام، این تحلیل‌ها واقع‌بینانه و قابل تأمل هستند و با وجود هزینه‌های داخلی و تبعات بین‌المللی تحمیل شده به تهران بابت این ترور، عاقلانه است تهران نرمش بیشتری از خود نشان دهد و در مسیری که خواست ترامپ، رژیم صهیونیستی و دولت‌های مرتجع عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس است، گام بردارد. این تحلیل، مبنای عمل دولت حسن روحانی و جریان همسویان پس از ترور دانشمند ایرانی قرار گرفت. روحانی و تیم سیاست خارجی او، ترور این دانشمند هسته‌ای کشورمان را تله نتانیاهو و رئیس‌جمهور آمریکا در آخرین هفته‌های حضور ترامپ در کاخ سفید برای نابودی برجام می‌دانند و همین اساس نیز رئیس‌جمهور در پیام تسلیت خود برای این شهید، از به کار بردن حداقلی‌ترین کلمه که در آن ردی از پاسخ ایران باشد، خودداری کرد. اما اگر بتوان با استناد به رفتار و اقدامات سابق آمریکا این گزاره را تأیید کرد که ترور شهید فخری زاده نقش ابزار کمکی برای دولت بایدن را خواهد داشت، آنگاه به واکنشی متفاوت از آنچه تحلیلگران داخلی و غربی درباره «چه باید کرد؟» در این چند روز گفتند، باید فکر کرد.

## ترور؛ پوست موز یا تله؟

جو بایدن از همان ابتدای ورود به رقابت‌های درون حزبی برای



## کاهش شدید تولید نفت شیل آمریکا

بلومبرگ در گزارشی با اشاره به پایان دوره رشد سرسام‌آور تولید نفت شیل آمریکا نوشت: «گسترش همه‌گیری ویروس کرونا سبب کاهش تولید چشمگیر نفت شیل و ورشکستگی بسیاری از تولیدکنندگان نفت در آمریکا شده است.» به گزارش ایرنا به نقل از خبرگزاری بلومبرگ، انقباض صنعت نفت آمریکا در سال جاری به این معنی است که احتمالاً کنترل نفتی برای مدتی نگرانی زیادی در مورد از دست دادن سهم بازار نخواهد داشت. به نظر می‌رسد همه‌گیری ویروس کرونا و بازار بورس سهام نیویورک توانسته سهامداران شیل را از سر راه بردارند. «اسکات شفیله» مدیرعامل شرکت «یونپور» که چهارمین عملیات بزرگ شیل را در این کشور اجرا می‌کند، گفت: «من تا سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ دیگر رشدی در تولید نفت آمریکا نمی‌بینم و چنین چیزی بی‌تردید برای اوپک و متحدانش خبر خوبی است.»



## ۲ سفر مفتی داعش به عربستان برای گرفتن پول

مفتی تروریست‌های داعشی در استان نینوا طی اعترافات تکان‌دهنده که از نقش مخرب آل‌سعود در عراق حکایت دارد، از سفرهایش به عربستان و دریافت کمک مالی برای ادامه اقدامات تروریستی در عراق پرده برداشت. به گزارش تسنیم به نقل از المعلومه، «شفا النعمه» مفتی تروریست‌های داعشی و موسوم به قاضی شرعی داعش در استان نینوا گفت: «در سال ۲۰۰۶ یا (ابومصطفی العراقی) که تابعیت اروپایی داشت در مکه دیدار کردم و از من جزئیاتی درباره گروه‌های رادیکال در عراق و نحوه حمایت‌شان خواست و من پول کافی برای تاسیس و حمایت از گروه‌های مسلح دریافت کردم.» النعمه در ادامه به سفر دوم خود و دیدار با یکی از سرکرده‌های وهابی و درخواستی که از این وهابی برای گرفتن پول جهت انجام اقدامات مسلحانه داشته و سپس پول دریافت کرده است، اشاره کرد.



## ادامه کشمکش بر سر ابطال آرای پستی در آمریکا

طرفداران جمهوری خواه ترامپ نتوانستند دیوان عالی ایالت پنسیلوانیا را به ابطال آرای پستی و معرفی هیات کنترل جدید مجاب کنند. به گزارش مهر به نقل از آسوشیتدپرس، دیوان عالی پنسیلوانیا شکایت طرفداران دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی آمریکا را که خواهان ابطال آرای پستی این ایالت شده بودند رد کرد. این شکایت از سوی «مایک کلی» عضو جمهوری خواه مجلس نمایندگان ارائه شده بود. شاکایان علاوه بر ابطال آرای پستی، خواهان معرفی کنترل‌های جدید بودند تا شاید نتیجه به نفع ترامپ تغییر کند. به گفته ترامپ، در پنسیلوانیا، صحت ۸۱ هزار رأی زیر سوال است و باید درباره آنها تصمیمی گرفته شود. پیش‌تر در روز جمعه، دادگاه بدوی شکایت تیم انتخاباتی ترامپ را مبنی بر وقوع تقلب در رقابت ۲۰۲۰، رد کرده بود. حال آنکه «جنا ایس» مشاور حقوقی رئیس‌جمهور آمریکا، تهدید کرد که موضوع را به دیوان عالی ارجاع خواهد داد.



## مشارکت «پک ک» در جنگ قره‌باغ

برخی رسانه‌ها به نقل از یک مقام ارشد «پک ک» مدعی حضور نیروهای این گروه در کنار ارتش ارمنستان و نبرد علیه ارتش جمهوری آذربایجان شدند. به گزارش فارس، خبرگزاری «آذرتاج» به نقل از خبرگزاری «آنا‌تولی» نوشت: «عناصر «پک ک» در نبرد اخیر ارتش ارمنستان با جمهوری آذربایجان، در کنار ارتش ارمنستان بودند.» این منبع خبری مدعی شده که یک مقام ارشد «پک ک» نیز این موضوع را تأیید کرده است. بنابر این ادعا، «لیکا گولتکین» از عناصر ارشد «پک ک» در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌های این گروه به این مساله اعتراف کرده و گفته است: «ما برای نبرد در کنار نیروهای ارمنستان به قره‌باغ رفتیم.» حضور اعضای «پک ک» برای کمک به ارمنستان در جنگ قره‌باغ در حالی است که در طرف مقابل تروریست‌های تکفیری وابسته به ترکیه نیز در این جنگ به کمک آذربایجان شتافته بودند.